

14-03-2013

ز تند باد حوادث نمی توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی

سوگمندان باید گفت که ، حرص و آز ، استعمار و استحمار ، چنان هرج و مرج و سر در گمی را در بیان کارنامه قهرمانان و حقایق تاریخ سر زمین مان رقم زده است که تا امروز ما قادر نشده ایم یک رهبر نظامی ، سیاسی و یا مذهبی خویش را بشناسیم و از دل و جان بدان باور داشته ، رهبری و پیشوایی اش رابه جان و دل خریدار شویم .

این بدان معنی نخواهد بود که ما در گذشته و حال ، بزرگ و بزرگانی از این دست نداشته ایم ،
نخیر ..

اما از آنجاییکه گفته آمد استعمار و ایادی آن، چنان این چهره های تابناک را به تاریکی ها فرو برده اند که تو گویی : در این چمن نه گلی بوده است و نی سمنی .

باری دردناکتر و اندوه بار تر اینکه : بعد از این همه قربانی و ریختن اشک و خون (که تاریخ بشر کمتر بیاد دارد) ملت و مردمان ما از درک حقایق و شناخت آن چنان بدور نگهداشته شده اند که ، تو گویی جعبه جادویی را از گذشته به خصوص از سه دهه اخیر به تماشاه نشسته اند .. از جمله صد ها خیزش و قیام .. یکی هم قیام فرقه هفدهم هرات و یا (قیام 24 حوت هرات) است که تا حال ، علت اصلی و حرکت دهندگان حقیقی آن در هاله از غبار پیچانیده شده است

به هر حال ..
تا جای که امکان است، بیشتر به شرح نظامی این خیزش پرداخته شده ، به امید آنکه در آینده حقایق بصورت کامل بر ملا و قهرمانان حقیقی را مردم و آیندگان مان هم در این قیام و هم درخیزش های نظامی و ملکی دیگر بشناسند .
به امید چنین روزی ..

قیام 24 حوت در هرات

با روشن شدن ماهیت ضد ملی و ضد انسانی رژیم مزدور ، بعد از کودتای ثور 57 مردم افغانستان در هر کوی و برزن جهت بر چیدن رژیم و طومار بدارانشان (روسها) دست بکار شدند .
در این هنگام هر مسجد و مدرسه ، هر دفتر و دیوان هر کاغوش و قوماندانی و خلاصه هر خانه و هر کوچه ، محل جلسات فرزندان صادق سرزمین مان "افغانستان" جهت پیدا کردن راه های موثر برای سرنگونی رژیم ضد ملی "خلق و پرچم" گردیده بود .

سر انجام ملت و مردم آماده قیام شده و اولین جرقه های انقلاب ملی در میان دره های زیبا و دشوار گذار " کنر و نورستان " به تلالو برخاست و زبانه های آن سراسر افغانستانرا فرا گرفت .

منسوبین با شرف اردوی افغانستان که بیشتر از دیگران در گیر حلقه های جنایات مزدوران روس قرار گرفته بودند ، در هر قدمه و قطعه با وصف همه خطرات و مشکلات به شور آمده و مسوولیت ملی و تاریخی شانرا در این برهه توفان ملی رفع ساختند ، که قیام فرقه جلال آباد ، قیام فرقه نهرین ، قیام بالاحصار کابل ، قیام غند کوهی اسمار ، پکتیا ، لوای " حسین کوت " قیام پیلوتان میدان هوایی شیندند را میتوان مشت نمونه خروار مثال زد .
و اما قیام بیست و چهارم حوت هرات ...

فرقه 17 هرات به جهت موقعیت خود در سرحد ، یکی از قطعات کامل اردوی افغانستان به حساب آمده که مزید بر جزو تامهای پیاده ، دارای قطعات زره دار ، مخابره ، توپچی و مدافعه هوایی بود ، که در سطح اردوی افغانستان یک فرقه کاملاً مجهز و مکمل شمرده میشد .

بعد از کودتای ثور در راس این فرقه "سید مکرم" یکی از سازمانی های پیرو خط " ماسکو " که از نظر فهم در ساحه اجتماعی و حتی نظامی در سطح پایین قرار داشت ، بکار گماشته شد .
قساوت قلب و لا پروایی این شخص ، مانند اکثریت سازمانی ها ، در مقابل مسایل فرهنگی و ملی احساسات منسوبین فرقه را جریحه دار میساخت .
موازی با او در ساحه ملکی "نضیف الله نهضت" والی منسوبه رژیم ، با جمع دیگر از نو به دولت رسیدگان ، با حرکات جاهلانه و ظالمانه خویش مردم را به طغیان و امیداشتند و هر روز بیشتر از روز دیگر این نفرت و انزجار فزونی یافته و زمینه یک جنبش سرتاسری را آماده میساخت .
بلی :

زمانیکه استخبارات رژیم از نا رضایتی و نفرت مردم و منسوبین فرقه علیه دولت و گماشتگان شان اطلاع یافتند ، تمام جزو تامهای فرقه را از "زلمی کوت" بیرون و بصورت پراکنده در دامنه های "تخت صفر" جابجا نمودند ، تا از حرکات احتمالی علیه خویش جلوگیری کرده بتوانند .

با وصف چنین اوضاع مشکوک ، جلسات و دید وادید ها جهت سقوط رژیم مزدور در فرقه هرات و در خارج از آن جریان داشت .

جلسات نظامیان ضد رژیم بیشتر در منزل دگرمن "نور محمد خان" قندهاری و جگرن "شمشیر" خان کنری صورت میگرفت ، که مزید بر این دو رهبر ، سر سپردگان دیگر مانند : دگرمن میر علم خان صافی ، جگرن داوود خان افریدی ، تانکیست فردوس خان کنری ، جگرن شایسته خان ، غلام رسول خان بلوچ ، تورن اسماعیل خان هراتی ، تورن علاوالدین خان ، لمری بریدمن خلیل خان کرخ ، لمری بریدمن بصیر خان در آن شرکت میکردند .

موازی با فعالیت های نظامیان ضد رژیم در ساحه ملکی نیز گردهمایی های بدین منظور در جریان بود ، تا جاییکه منابع موجود ذکر کرده ، خانه و باغچه "محمد افضل خان شهیر" یکی از پایگاههای ضد رژیم بود که اکثراً در اینجا ، مولوی عبدالعزیز ، خطیب مسجد جامع هرات ، قاری ابوبکر مدیر معارف آن ولایت ، حاجی عبدالسلام غوریانی ، سید اسحاق دلجو ، غلام رسول احراری گرد هم می آمدند .

در این وقت ولایت هرات در اثر چنین فعالیت ها به انبار باروتی شباهت داشت که منتظر یک جرقه حریق بود .

زمانیکه زمستان 1357 به پایان خود نزدیک میشد ، همگام با شکسته شدن سردی هوا ، غرش رسیدن توفان انقلاب در هرات ، همانند دره نورستان و کنر به گوشها طنین انداز شد ، در قریه سلیمی ، قریه غوریان ، زنده جان و دره گذره علایم مقاومت عملی هویدا گردید ، که جواب دولت فاشیستی بیگانه از مردم در این زمان و در این مکان ، فقط گلوله و آتش بود ، و دیگر هیچ ... و اما جرقه انقلاب ..

جرقه اصلی انقلاب و خیزش هرات در 23 حوت 1357 هجری به غریو و آتشفشانی برخاست و آغازش چنین بود :

زمانیکه به بریدمن "خلیل خان" امر بطریه توپ از طرف مشاور روسی فرقه ای هرات امر میگردد که " دره گذره " را زیر ضربات گلوله قرار دهد ، خلیل خان از امر سرپیچی کرده جواب میدهد که بالای مردم بیدفاع نمی توانم آتش کنم ، وقتی به تحکم مشاور روسی مواجه میگردد ، احساسات ملی و نظامی او بر انگیزته شده ، به سرعت انگشت بالای ماشه ماشیندار گذاشته و مشاور را به گلوله میندازد ، به تعقیب آن امر میکند که بطریه توپ را به استقامت منازل رهایشی مشاورین روس جابجاء ، و آنجا را زیر ضربات آتش قرار دهند .

این حرکت متهورانه خلیل خان چون امواج توفان به همه جا مپیچد و هرات با ستان را به لرزه می آورد ، اولاً باشنده گان " گذره " که تعداد شان به دو هزار نفر میرسد ، همانشب را در جنگلی گرد آمده ، به شور و کنگاش میپردازند ، ... فردا 24 حوت بعد از ادای نماز ، با بیرق های سفید و شعار های ملی و اسلامی به رهبری "گل محمد تیزی" و مولوی صالح محمد "به طرف مرکز شهر مارش میکنند .

دسته جات دیگر مردم از ولسوالی انجیل به شهر رو آورده و اهالی مرکز شهر که در راس شان "حاجی جلال الدین مهمند ، سید فغفور ، پهلوان محمد علی و ارباب غلام رضا" قرار دارند به مارش کنندگان می پیوندند .

در این همهمه و غریو ، حزبی ها به امر مشاورین روسی بروی انبوه مردم آتش باز کرده ، که در نتیجه تعدادی از مردم تلف میشوند ، مگر مردم از مقاومت دست نکشیده ، با سنگ و چوب به مقابله و مقاومت ادامه میدهند .

حینی که زد و خورد در شهر میان مردم و سازمانی ها در جریان بود ، نظامیان سر سپرده مردم به سرعت دست به کار شدند .

نخست سه نفر صاحب منصب به قومانده " جکتورن هادی خان تره خیلی " ، در حالیکه ماشیندار به دست دارند ، به تالار طعام خوری صاحب منصبان " زلمی کوت " وارد شده ، افسران روس و سازمانی های را که ، در آنجا برای جلسه جمع شده و تعداد شان به شصت نفر میرسید ، به آتش بستند ، سپس جگرن شمشیر خان با افراد معیتی و وسایل تحت قومانده اش داخل شهر شده ، به

دفع و طرد تانکها و زرهپوش های سازمانی ها ، که علیه مردم ملکی داخل جنگ شده بودند ، پرداخت .

همزمان "دگرمن میر علم خان صافی" قوماندان 28 توپچی ، مرکز قوماندانی در "باغ فرامز خان" و مرکز ولایت را هدف گلوله های توپ قرار میدهد .
که در نتیجه این آتش ، قوماندان فرقه ، والی منسوبه رژیم با مشاورین خود ، نخست به میدان هوایی هرات و از آنجا به "شیندند" فرار نمودند .

بعد از انجام این عملیه ، رهبران نظامی قیام، دیپو های سلاح را کثوده و مردم را مسلح ساختند .

روز 25 و 26 حوت در هرات اوج قیام بود ، در این مدت تمامی مراکز مقاومت سازمانی ها در هم کوبیده شد ، اکثریت آنها به شمول پنجاه نفر مشاور روس به قتل رسیدند ، نظامیان به همکاری مردم نقاط حاکم شهر را با توپ و ماشیدار های ثقیل استحکام بخشیدند و شهر بکلی از لوٹ روس و وابستگانش پاک ساخته شد ..

اما .. 27 حوت 1357

دولت ضد ملی وابسته به روس از این حرکت عمومی مردم سراسیمه شده و کابوس شکست و نابودی، رگ رگ آنها و بادار شانرا به لرزه در آورد ، "ترکی" به عجله با "بریژنف" در تماس آمده و خواهان گسیل سربازان روسی و بمباردمان مناطق آزاد شده گردید .

سرانجام مشاورین ارشد نظامی و سیاسی روس با همکاری مزدوران خویش دست به چنین حيله و تزویری زدند :

نخست یک قطعه مجهز زره دار در حالیکه با بیرقهای سبز و کلمه شهادت مزین ساخته شده بود، از قندهار به طرف هرات سوق داده شد .

همزمان با نزدیک شدن آنها به دروازه های شهر هرات ، دو "هلیکوپتر توپدار" به عین شکل "تزیین کلمه شهادت" بر فراز شهر هرات ظاهر شده ، تا مردم و نظامیان فاتح به این باور شوند ، که قطعات دیگر قیام کننده با آنها پیوسته است .

مردم و نظامیان هم فریفته این این صحنه سازی شدند ...لهذا عوض مقابله به استقبال آنها شتافتند .

وقتی تانکها داخل شهر شده و نزدیک "زلمی کوت" رسیدند ، یکباره علیه مردم و نظامیان قیام کننده آتش کشودند ...

همزمان طیارات بم افگن از میدان هوایی شیندند و خاک شوروی وقت ، به پرواز آمده و با بمباری شدید و بی امان ، ابتکار عمل را از قیام کنندگان گرفتند .

با آنها مردم عادی و نظامیان قیام کننده با پایمردی و مورال بلند به مقابله ادامه میدادند

اما آتش ثقیل تانکهای مهاجم و بمبارد بیدریغ طیارات ، تلفات سنگینی به بار آورد .

اکثریت قیام کنندگان نظامی و ملکی در این جنک به شهادت رسیدند که "دگرمن نور محمد خان " نیز از جمله شهدا در این روز بود ..

بعضی از رهبران نظامی این قیام مانند تورن اسماعیل خان و علاوالدین خان که عرصه را تنگ یافتند ، به تپه های مجاور پناه برده بعدها به تشکیل گروه های چریکی پرداختند .

در 29 حوت ، ایادی رژیم به کمک مسقیم بادران روسی شان بر شهر هرات مسلط گردیدند ...

و ... بدینگونه قیام ملی و خونین 24 حوت بعد از پنج روز تلاطم در هم شکسته شد .

بعد از استقرار دوباره رژیم در شهر هرات ، دستگیری ها کتله ای اعم از اهالی ملکی و نظامی آغاز گردید ، گرفتار شده گان بعد از شکنجه های غیر انسانی دسته جمعی تیر باران شده و به حفره های بزرگ که قبلا احداث شده بود روی هم انبار میشدند .

در این قیام و اعدامها حدودا میان 25 هزار تا 45 هزار افراد ملکی و نظامی که به هر نقطه افغانستان تعلق داشتند از بین برده شدند .

چون رژیم وابسته به روس و بادران شان روسها از این قیام سرتاسری که در آن نظامیان با برادران ملکی شان شانه به شانه ، بخاطر طرد استعمار و اسارت تشریک مساعی نمودند ، به خوف افتیدند که مبادا قیامهای همگون در دیگر قطعات اردو صورت بگیرد ، لهذا ...همزمان با قیام هرات دست به دستگیری های وسیعی ، بخصوص در اردو زدند . تنها در این برهه از زمان (24 حوت الی 27) تنها در قطعات قوای مرکز به تعداد حدودا 1200 نفر صاحب منصب گرفتار و به زندان پلچرخ و دیگر زندانهای مرکز سپرده شدند

قیام خونین و ملی هرات اگر چه توسط سلاح های مدعش عصری و قساوت وحشیانه ای حزبی و سازمانی ها در هم شکست ، اما یکبار دیگر مردم افغانستان ثابت ساختند که مرگ را نسبت به غلامی ترجیح میدهند .

یاد شهدای قیام هرات گرامی و روان شان شاد باد .

.....

تذکار :

www.goftaman.com

فهرست اسمای نظامیانی که ذکر گردید ، مکمل نبوده ، امید با دسترسی به اسناد و شواهد بیشتر در آینده ، نام و هویت بیشتر این جانبازان راه آزادی ، درج تاریخ خونین سر زمین ما گردد .

میسیساگه ، انتاریو ، کانادا 2001 عیسایی